

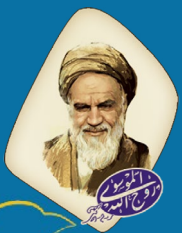


پنجشنبه  
۱۸ بهمن ۱۳۹۷  
۱ جمادی الثانی ۱۴۴۰  
شماره ۲۴۶

هفته نامه فرهنگی، خبری  
مدرسه دانتتجویی قرآن و عترت  
دانشگاه تهران

kashef@quranetratschool.ir  
www.QuranEtratSchool.ir

سال هشتم



#### قال الصادق

اگر نزد خداوند عبادی بهتر از شکرگزاری در همه حال بود که بندگان مخلصش با آن عبادتش کنند، هر آینه آن کلمه را درباره همه خلقتش به کار می برد، اما چون عبادی بهتر از آن نبود از میان عبادات آن را خاص قرار داد و صاحبان آن را ویژه گردانید و فرمود: «واندی از بندگان من سیاسگزارند».

(مصباح الشریعه ص ۲۴ و ص ۲۵)

### خطابه

#### خیزش ارائه سندهای قرآنی در مقابله با نظریه های الحادی

بیانات آقای اخوت درباره برنامه های پیش روی مجمع مدارس (پنجشنبه، ۴ و ۱۱ بهمن ماه)

#### توضیحاتی در باب

#### سندهای تألیفی مدرسه قرآن

برنامه های مدرسه قرآن در ترم جدید بناست با شیب خاصی در دانشگاه ها اجرا شوند. یکی از برنامه هایی که قصد شده در دانشگاه تهران اجرایی شود، رونمایی از سندهاست. دو نیم سال بعدی دانشگاهی، برای این موضوع قرار داده شده است تا مباحث مربوط به سندها را به صورت تفصیلی مطرح کنیم و دلیل آن، ضرورتی است که رهبری در مورد سندها مطرح کرده اند. سندهایی در مورد رسانه، خانواده، تعلیم و تزکیه و... توسط تیم پژوهشی مدرسه قرآن تاکنون تألیف و چاپ شده اند. بعد از اینکه این سندها ثبت شوند، طبیعتاً تبدیل به یک سند اصلی می شوند و این همان است که رهبری خواسته اند. تا این سندهای جزئی استخراج نشوند، سند کلی استخراج نمی شود. تقریباً تا الان حدود ۲۰ موضوع سند را استقراء کرده ایم که شش-هفت تا از آنها نوشته شده اند و ان شاء الله خداوند توفیق برای نوشتن بقیه سندها دهد. در مورد سندها چند نکته لازم است بیان شود:

**اولاً:** نوعاً مطالعات سندی در کشور نادر است. سندها قبلاً جزء کتابها نبوده اند و فقط برای افراد خاص نوشته می شدند. مثلاً سند تحول بنیادین آموزش پرورش برای افراد خاصی بوده است و سند نوعاً در اختیار نوع مردم قرار نمی گرفته است. با چاپ سندهای تألیفی مدرسه قرآن، آنها تبدیل به یک رزق عمومی کردیم. این سندها وقتی تبدیل به رزق عمومی می شوند، افراد می خواهند آن را شبیه بقیه کتابها مطالعه کنند که طبیعتاً به اشکال می خورند و از ادبیات، جمله بندی ها، عدم استناد موضوعات و... ایراد می گیرند. سند یک متن گزاره ای نسبتاً یکنواخت و بدون جذابیت است و به درد کسانی می خورد که

سیاست گذاری های مجموعه ها به عهده آنهاست. البته ما با آن معامله کتابهای عمومی می کنیم که اشکالی هم ندارد چون نه ما سند نویس هستیم و نه جایگاه سند نویسی داریم و نه مردم سندخوان هستند.

ممکن است بپرسند پس چرا این کار را انجام می دهید؟ جواب اینکه در واقع با این کار به یک نیاز جامعه اشاره می کنیم که بایستی علماء و نهادهای مسئول سریعاً وارد آن شوند و نباید دچار تأخیر باشند. سند تعلیم و تزکیه، رسانه و... برای نهادهای جامعه نیاز است و علمای حوزه با مشورت متخصصان باید این سندها را تهیه کنند.

سند رسانه باید توسط حوزه و در تعامل با متخصصان رسانه نوشته شود و ما در مدرسه قرآن یک تنه در حال نوشتن همه اینها هستیم و بعد هم نه حوزوی و نه دانشگاهی ایم، یعنی تخصص دانشگاهی مان الزاماً مرتبط نیست. صرف نظر از ایرادهای تکنیکی که ممکن است در سندها وجود داشته باشد اما قصد این حرکت، ایجاد خیزشی است که بایستی توسط علماء اتفاق بیافتد که ان شاء الله باعث تحریک این جریان شود.

سند هنر، خانواده، مسجد، عفاف و لباس به تازگی آماده شده اند. سند لباس، عدل و مکمل سند عفاف - بیان بایسته های مسائل جنسی بر اساس احکام الهی - است. سه سند هم از قبل چاپ شده بودند که عبارتند از «سند احیای شهرها؛ نظام سازی توحیدی در شهر و جامعه»، «سند تعلیم و تزکیه» و «سند تولید محتوا برای رسانه». مجموعاً شش سند تاکنون تهیه شده اند، چون دو سند عفاف و لباس مستقل نیستند و زیر مجموعه سند تعلیم و تزکیه قرار می گیرند.

سعی داشته ایم که قبل از انتشار سندها، آنها را در فضاهای تخصصی قرار دهیم و بازخورد گرفته و اصلاح

کنیم. سند عفاف در گروه حلقه روانشناسان اسلامی به اشتراک گذاشته شد و برخی از اساتید نقدهایی مطرح کردند و سند هنر نیز را در گروه سوره مهر مطرح شد و مورد بازنگری قرار گرفت. برای دوستان فعال در مدرسه قرآن سندها در گروه ها قرار میگیرد و نظرات خود را قبل از چاپ می توانند اعلام نمایند.

**دوماً:** سیاست ما از رونمایی سندها در دانشگاه تهران برای ایجاد یک جو رسانه ای است. نمی شود مملکت امام زمان عجل الله تعالی فرجه را اینطوری رها کرد که هرکس بیاورد چیزی بگوید و کسی هم نباشد که جلوی آنها بایستد. خیلی بد است که جوامع علمی ما انقدر منفعلانه رفتار می کنند. ما بایستی برای کل دنیا سند عفاف، رسانه، کودک و... بنویسیم. خیلی زشت است اگر برای خودمان هم نتوانیم بنویسیم در حالی که قرآن و روایات را داریم. این نیاز جهانی اکنون است. ممکن است به ما بگویند شما افراد نابلد پای خود را بیشتر از گلیمتان دراز کرده اید. بله همینطور است و این اعتراض ما به این وضعیت و به افراد و نهادهایی است که وظیفه شان نوشتن اسناد است. معنا ندارد که افراد موظف انقدر نسبت به مسائل اجتماعی منفعل باشند و با تأخیر کار کنند. از ایراداتی که وجود دارد این است که نهادهای سازها با خرد اجتماعی درستی طراحی نشده اند و کارهایی به نهادهایی داده شده است که در توانشان نیست. نهادهای سازها هم از کارهای بعدی است که باید انجام شود.

سند عفاف را در طول دو هفته نوشتیم. کار البته تخصصی است ولی برای کسی که احکام و روایات را دیده است، کاری ندارد.

تا به الان ایراد خاصی به لحاظ محتوایی از سندها گزارش نشده است. البته ایرادات نگارشی ممکن است وجود داشته باشد. بنا به ادبیات جامعه ممکن است هر سال نیاز باشد که ویرایش جدیدی صورت گیرد.

ویرایش مثل لباس است که نو به نو می‌تواند تغییر کند. کسانی که در این زمینه توانایی دارند، می‌توانند اعلام آمادگی کنند و ویرایش را انجام دهند. ما در شماره‌های جدید، از سندهای ویراستاری شده استفاده خواهیم کرد.

**سوما:** وقتی سند می‌نویسیم نباید خودمان آن را نقض کنیم. ما سندها را اول برای خودمان طراحی کرده‌ایم، باید به آنها پایبند باشیم و همه باید طبق سند رفتار کنیم. اگر کسی در مجموعه خلاف سند عمل کرد یا باید به او گوشزد شود یا با آن مبارزه شود چون ممکن است معلوم شود خط نفوذ است. بالاخص کسانی که در آموزش پرورش یا در آموزش عفاف مشغول هستند

افرادی که در حوزه عفاف فعالیت می‌کنند، توجه کنند که از سند، پای خود را جلوتر نگذارند چون عواقب بدی دارد و با واکنش سریع روبرو خواهند شد. این نقطه حساسی است و نباید شبیه کسانی شویم که قول صدق ندارند. کذب در یک ساختار، نشانه بدی است و بهتر است قبل از وقوع پیشگیری کرد چون اگر اتفاق بیافتد انحراف زیادی ایجاد می‌کند.

**چهارما:** درباره منطق پژوهشی اسناد باید گفت، اسنادات سندها در کتاب‌های بنیادی مجموعه گفته شده‌اند و سند، حاوی خط قرمزها و الزاماتی است که باید در آن حوزه مورد توجه قرار گیرند. سند، سطح پژوهشی مابین بنیادی و راهبردی دارد و در سطح کتاب‌های ساختاری قرار می‌گیرد. مثلاً کتابهای ساختار وجودی انسان، ناس و هستی ساختاری‌اند و به نوعی سندی‌باشند.

ما در تألیف سندها، از قواعد سندنویسی هیچ کجا تبعیت نمی‌کنیم و یک مشی خاص داریم. سند برای ما عبارت است از اصول کلی و حاکم بر موضوعاتی که در جامعه مطرح است و این موضوعات، بر اساس نیازها به دست می‌آیند.

یک مادر-سند داریم که همان سند شهر و جامعه است و در واقع خلاصه کتب بنیادی نظام‌سازی‌هاست. هر سند ممکن است سندهای زیردستی داشته باشد. مثلاً برای سند خانواده، سندهای زیرمجموعه‌ای مانند اسناد کودک، نوجوان و... هم می‌توان نوشت. یا اسناد عفاف و لباس زیرمجموعه سند تعلیم و تربیت هستند، اما مثلاً اسناد تغذیه و امنیت هم‌راستای سند خانواده هستند

#### تدبیر؛ علم طراحی نظامات بر اساس سندها

همه این حرف‌ها مقدمه این نکته بود که این صحنه، تخصصی است و نه یک صحنه عمومی و میدان عملیات آن میدان نظریه‌پردازی و مقابله با نظریه‌های

الحادی است و مسیرش، مسیر تدبیری است و هر کاری که دوستان را از مسیر تدبیری خارج کند، به معنای خارج کردن آنها از این میدان است. هر کدام از این سندها که نوشته می‌شود، شما را به میدان‌های جدید تخصصی فراخوان می‌دهد. اگر برای مدیری جذاب باشد و بگویند می‌خواهیم فلان بخش یک نهاد را به شما بدهیم، ما چه کسی را می‌توانیم بفرستیم تا جوابگوی مسائل آنها بر اساس سند باشد؟ این کار علم می‌خواهد و علم آن، تدبیری است.

یک سونامی در راه است و این وظیفه بنده است که کار نوشتن اسناد را انجام دهم. حالا هر کس وظیفه‌اش را انجام نداد، با خودش است. افرادی که در مسیر تدبیر قرار گرفته‌اند کمابیش توان طراحی نظامات بر اساس اسناد را دارند، پس بسم الله. مسیر کار این نیست که بدون علم، وارد فضاهای اجتماعی شویم، بلکه فضای کار تخصصی است. مثلاً طراحی هزار مهدکودک یک نهاد را به چه کسی می‌توانیم بسپاریم؟ پیشنهاد چند نقاشی و بازی که برنامه نیست، باید برنامه‌ریزی‌ها بر اساس سند تعلیم و تربیت باشند. پس هرکس در حوزه تخصص خودش باید تدبیری بار بیاید. این حرف‌ها قبلاً بارها زده شده است و الان مصادیق و صحنه عمل به آنها مهیا شده است. هفته‌ای نیست که به بنده یک صحنه اجتماعی وسیع را ارجاع دهند.

تأخرت دارید، سریع و بدون اتلاف وقت، کار تدبیری را عقب نیندازید و خود را به کارهای کوچک مشغول نکنید. رسالت مدرسه قرآن، تدبیر است و ان‌شاءالله خداوند به همه توفیق دهد. مواظب باشید در وضعیت فشار، حالتان بد نشود. به جای آن، کار کنید تا برسید. چاره‌ای جز این نداریم و الا استکبار با همه محتوایش وارد بافت‌های حکومت اسلامی می‌شود و همه را استحاله می‌کند. هنوز این کار را نتوانسته بکنند و اگر عده‌ای این علم را بلند نکنند، به زودی این کار را خواهد کرد. هزاران مثل ما، فدای انقلاب اسلامی باشد. از شهید شدن کسی در این راه، نمی‌ترسیم و خودتان هم نترسید، آنقدر باید انجام داد و پیش رفت تا بالاخره از هر چند نفر، یکی بتواند و به مقصد برسد.

#### بررسی دلایل غم و اندوه جمعی

##### و راهکارهای خروج از آن

#### نشاط و دوری از اندوه؛ لازمه خروج از خسر

از مهم‌ترین اتفاقات در زندگی، انجام کار و عمل از نوع صالح و شایسته است. همچنین انسان باید باور و ایمان داشته باشد که خدا و قیامت هست و تواضع به حق و تواضع به صبر کند تا در خسر نباشد. برای اینکه انسان این چهار کار را طبق سوره مبارکه عصر بتواند انجام دهد -عمل شایسته، تواضع به حق و

تواضع به صبر، همچنین اعتماد به خدا طوری که در سختی‌ها نشکند و حسن ظن داشته باشد- یک‌سری لوازم نیاز دارد. لازمه مهم آن حس نشاط، پویایی و حرکت است.

فضای غم و اندوه، ضد کار، ضد عمل، ضد تواضع به حق و تواضع به صبر است و عمل صالح در این فضا صورت نمی‌گیرد. هرچه در دنیاست مشابه خودش را تولید می‌کند. شادی، شادی تولید می‌کند و غمگین بودن، غم می‌آفریند. اگر کسی حرکت داشته باشد، حرکت ایجاد می‌شود و اگر کسی سکون داشته باشد، سکون تولید می‌کند. غم‌ها معلول علت‌هایی هستند که باید برطرف شوند. بعضی از علت‌ها در دست ما نیست ولی آنهایی که در اختیار ماست را می‌توان مورد توجه قرار داد.

#### بررسی دلایل غم و اندوه در افراد

سوال این است که برای برطرف کردن غم و اندوه افراد مجموعه چه کنیم؟ دلایل آنها را می‌توان چند دسته کرد:

۱- برخی می‌گویند دلیل این غم و اندوه فیزیولوژیکی است و هر کسی تأخیر در ازدواج برایش صورت گیرد این غم و اندوه را دارد و طبیعی هم هست. تأخیر در ازدواج از بیست سالگی به بعد غم و اندوه ایجاد می‌کند. از بیست و چهار سالگی به بعد تبدیل به غم پس‌زمینه‌ای می‌شود، که افراد با ارتقای مدرک دانشگاهی و کار سعی در برطرف کردن این غم دارند. این تحلیل غم و غصه‌های رایج در مدرسه قرآن است. برای اینکه جلوی این داستان را بگیریم باید سعی کنیم در ورودی‌های جدیدمان، کاری کنیم که آنها به تأخیر در ازدواج نرسند و صف این فاجعه طولانی‌تر نشود. رهبری در این حوزه به مسئولان امر کرده بودند تا نگذارند سن ازدواج دختران بالا رود.

ما باید فعل «وانكحوا الايام»<sup>۱</sup> را اجرا کنیم. این امر باید این در فعل ما باشد و عزم و اراده کافی برای اجرای این دستور الهی را داشته باشیم.

۲- القائنات شیطان در ایجاد غم و اندوه خیلی دخیل است. به خاطر نشدن‌ها، رفتن‌ها و... برخی هم که عمومی است و هر کسی با توجه به حساسیت‌هایش با دیدن اخبار از حالت نشاط خارج می‌شود و شدت آن روز به روز در حال بیشتر شدن است. این از کارهای شیطانی و وسوسه شیطان است و نباید در قبال آن ناراحت شوید. اگر می‌توانید کاری انجام دهید، انجام دهید و اگر نمی‌توانید غصه نخورید. بی‌تفاوتی و غصه نخوردن دو چیز متفاوت است.

برخی از وسوسه‌ها درون مجموعه‌ای است؛ مثلاً برنامه‌هایی ریخته شده ولی اجرا نشده است،

مقاصدی تعیین شده ولی نرسیده است. فکر کنید در همه مقاصد و برنامه‌ها شکست خورده‌ایم اما سعی کنیم همین که در جمع هستیم، نشاطمان بر روی دیگران اثرگذار باشد. با نشاط و شادمانی می‌شود دیگران را حمایت کرد. در حد یک کف زدن، سوت زدن و هورا کشی که می‌توان انجام داد! آدم‌های موفق را معرفی کردن، برای نعمت‌های داده شده به دیگران دعا کردن، خلاف حسد عمل کردن و... که اگر چنین نکنیم، مشکوک الحسد می‌شویم!

وقتی در جمع هستیم، موفقیت‌های جمع موفقیت ماست. می‌شود برای یک جمع، حتی سیاهی لشکر بود. در همه حال باید به این سمت برویم که ما می‌توانیم دل آدم‌ها را شاد کنیم. خوب است که در جمع‌ها افرادی باشند که شأنشان خروج افراد غمزده را از غم باشد. خود این، یک کار است. چرا برخی از کارها، در نظر ما کار نیست؟! غم‌بر بودن، کار است. فقط پژوهش و کلاس گذاشتن که کار نیست. در جمع باید الفاذات مثبت و دعا‌های خیر زیاد شود. شناسایی و احیای افراد دارای غم، مهم و وظیفه همه است.

۳- سومین عامل در غم‌ها، عقب افتادگی‌هاست. به فردی که عقب افتاده است، نمی‌توان گفت که تو عقب نیافتاده‌ای. نباید صورت مسئله‌ها را پاک کرد، به هر حال باید به نقطه‌ای می‌رسیدیم اما نرسیده‌ایم و باید در آینده برسیم. اگر به افراد بگوییم اشکال ندارد، خوب نیست. باید گروه‌های مختلفی جهت جبران این عقب افتادگی‌ها، مهیا باشند. جمع می‌تواند عقب افتادگی‌های چندین سال کسی را جبران کند. قبلاً گفته شد گروهی برای چک کردن برنامه‌ریزی دوستان وجود داشته باشد. ممکن است با یک تغییر کوچک در برنامه‌ها کلی از مشکلات کم شود. این اتفاقات بهتر است به صورت خودجوش اتفاق بیافتند. بهتر است جمع فضای ایده‌آل را خودش تجربه کند و به صورت طبیعی و تکوینی بالا بیاید، نه به شکل گیاه تراریخته! پیشنهاد این است عده‌ای برای رفع نواقص افراد ماموریت داشته باشند. برنامه‌ریزی‌ها اگر مشکل داشته باشد در کار افراد ایجاد اختلال می‌کند. برای چک کردن برنامه‌ها از دوستان خود کمک بگیرید. کسی نه بزرگ است و نه به کسی بزرگی می‌کند. برای چک کردن برنامه‌ها، از همین دوستانان استفاده کنید. روابط را بالا-پایینی، استاد-شاگردی و مرید-مردی نکنیم.

ما باید برای غم‌های طولانی مجموعه فکر اساسی بکنیم. مراجعه‌کنندگان به مدرسه قرآن از شهرهای مختلف هستند. اگر شاد نباشیم، این غم به نیروهای دیگر انقلابی هم منتقل می‌شود. شما مهمان دارید و

باید خانه را مرتب کنید و جارو بزنید! نمی‌شود بروید استراحت کنید و غصه بخورید!

برای طراحی عملیات، غم و اندوه امکان موفقیت را به شدت کم می‌کند. همیشه غم و غصه‌ها، زوجی اتفاق می‌افتد، یعنی یکی عقب می‌افتد و دیگری غصه عقب ماندن او را می‌خورد. از دردهای بنده و احساس خطری که دارم این است که زمانی افراد قوی قرآنی در مجموعه کم بودند اما الان زیاد شده‌اند و اگر روزنه‌ای برای خروج علم آنها نباشد تبدیل به غم می‌شود. داشتن پنجاه هزار دکتر بیکار خیلی بدتر از سه میلیون بیکار است. چون فرد برای دکترا گرفتن یک مسیر طولانی را رفته است و این اتفاق به معنای ساختارهای معیوب فراوان می‌باشد.

کسی که تهلیل می‌نویسد، باید در جمعی شروع به کار تخصصی مربوط به خودش بکند. اگر چنین کسی خاموش شود، او یک فرد نیست بلکه معادل دویست نفر است و سطح غم او متفاوت می‌شود. غم‌ها نباید به سمت ساختاری شدن بروند.

#### معرفی سوره‌های مرتبط با رفع غم و اندوههای جمعی

ما همه کارهایمان باید به نوعی به تدبیر در قرآن بازگردد. سه سوره در راستای حل این مسئله پیشنهاد می‌شود:

۱. در سوره مبارکه انفال، گفته شده است که با جمع بودن خیلی از مواهب را نصیب فرد می‌کند. خوب است این سوره خوانده شود و راهکارهای با جمع بودن در آن احصاء شود. واژه «رجز» نیز در تحلیل سوره از اهمیت برخوردار است.

۲. سوره مبارکه توبه، آن سوی دیگر سوره مبارکه انفال است و نهیب‌های سختی در مورد پیمان شکنی و قاعد شدن به افراد می‌زند. این سوره باید خوانده شود تا عواقب تک ماندن انسان، به او نشان داده شود.

۳. در سوره مبارکه فتح نکته مهمی با عنوان «سکینه» مطرح می‌شود و نشان می‌دهد جمع‌های مؤمن نیاز به سکونت‌های عمومی جریان‌ساز دارند. تفاوت سکینه با سکونت‌های معمولی این است که قابل مشاهده برای همه است. آرامش مجسم است. رمز دریافت سکینه در سوره فتح مطرح شده است.

#### راهکار اصلی: مقصودار شدن و پیش‌روی به سوی مقاصد

در قرآن یک راهکار عمومی برای رفع انواع مشکلات مطرح شده است که بسیار اساسی است. این موضوع را امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه خیلی استفاده کرده‌اند و شیوه اصلی اهل بیت (علیهم السلام) در مواجهه با این مسائل بوده است. اگر مقصد برای ما پررنگ شود و

مقصدی که می‌رویم مهم باشد، به نسبت مهم شدن مقصد، غم‌های ما برطرف می‌شود.

این موضوع، شبیه به قضیه کربلاست. اتفاقی که در کربلا برای سیدالشهدا (علیه السلام)، قمر بنی‌هاشم (علیه السلام) و تک تک افراد افتاد، مصیبت عظمی بود اما به خاطر پررنگ بودن مقصد و لزوم رساندن حکومت اسلامی به بقیه الله (علیهم السلام)، کربلا برای حضرت زینب (علیها السلام) جمیل می‌شود و الا هیچ کس نمی‌تواند آن فاجعه را تحمل کند. تنها راه مقابله با غمها، این است که مقصد مهم باشد.

برای مهم شدن مقصد باید خیلی کارها را انجام داد. باید بدانیم سلاحمان قرآن است و سعی داریم قرآن را عَلم کنیم. اهمیت کار ما به اهمیت قرآن است. باید بدانیم اقامه قرآن در جامعه، چه منفعتی دارد. اگر افراد اینگونه نگاه کنند حتی در حال احتضار هم به دنبال طرحی برای اعتلای آن کلمه حق خواهند بود، با اینکه حال احتضار مقام سختی است و فرد هیچ کاری نمی‌تواند بکند اما چون مقصد بلند است، در آن حال و حتی بعد از مرگ هم باید به دنبال مقصد بود. در همان حالتی که فکر می‌کنید نمی‌توانید انجام بدهید انجام دهید و افتخار ملائکه را به دست آورید.

به نظر بنده، کم‌رنگ شدن مقاصد عامل اصلی شکست است. این مسئله بسیار آسیب‌زننده است و هر کس باید ببیند چه کاری باید انجام دهد.

مقصد ما حاکمیت قرآن در کل عالم، یعنی بر چندین میلیارد انسان و گرفتن سازمانهای بین‌المللی است. هدف ما، اگر همان هدف امام زمان (علیه السلام) باشد، اقامه حکومت جهانی است که حکومت جهانی هم با قرآن و روایات شکل می‌گیرد. حکومت جهانی با تسلط بر قرآن و ترجمه کتاب‌ها به زبان‌های مختلف شکل می‌گیرد. تسلط بر روی مبانی انسان‌شناسی، ارتباط‌گیری با نخبگان عالم، ورود به رشته‌های مختلف، وارد کردن تدبیر در رشته‌ها و حوزه‌های تخصصی و... ضروری است.

تغییر و تحول در نظام آموزشی و تغییر و تحول در نظام‌های اقتصادی در کل دنیا، کلان‌آرمان‌هایی هستند که می‌توان به آنها فکر کرد. حداقل باید به قرآن تسلط داشته باشیم. مقصودمان بلند است ولی کارهایمان جزئی و ریز است. باید قرآن بلد باشیم تا بتوانیم نظام اقتصادی دربیابیم. باید انواعی از رابطه‌گرفتن‌ها را بلد باشیم. کسانی که می‌توانند، زبان یاد بگیرند. آنهایی که می‌توانند عربی یاد بگیرند. کشورهای عربی همین الان با ما مرتبط هستند و با ترجمه کتاب‌ها، خیلی سریع در کشورهای آنها منتشر می‌شود. هر جایی دست بگذارید پر از کار است و

بتوانیم مقدرات خود را ببندیم و شاداب و بانشاط، بدون اعوجاج و هیچ گونه مشکل این مسیر را پیش برویم، به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.

۱. ﴿وَأَكْبُوا إِلَٰهِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا قُرَآءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾؛ دختران و پسران و غلامان و کنیزان عجب خود را اگر شایستگی دارند نکاح نمایند که اگر تنگدست باشند خدا از کرم خویش توانگرشان کند که خدا وسعت بخش و دانا است (نور، ۳۲)

اگر یاد نگرفته‌ام یا نشده است، گفته‌ام که حتما صلاح نیست. قاعده عالم این است که گاهی انسان باید مثل یک فتر برای موضوعی جمع شود و آنقدر زمین بخورد تا محکم شود. در این قاعده نمی‌توانیم بگوییم خدایا چرا چنین حالی به من داده‌ای؟! بلکه می‌گوییم خوش به حال من که چنین حالی را خدا بهم داده است تا تجربه کنم.

رهبری می‌فرمایند ما در دهه فاطمیه مقدرات خود را اخذ می‌کنیم و ان شاء الله ما هم در ایام فاطمیه

خیلی بلند است و نیاز زیاد است. فضاهای عملیاتی خیلی نیرو می‌خواهند و باید مقاصد مشخص باشند. این حس نتوانستن مدت‌های طولانی و مستمر با بنده همراه بوده است. برخی فکر می‌کنند این حس را فقط خودشان تجربه کرده‌اند در حالی که حس نتوانستن‌های شما در برابر آن حس نتوانستی که بنده داشتم به اندازه یک درصد هم نیست. خیلی وقت‌ها نتوانستن‌ها و نشدن‌ها برای انسان بد نیست اما اگر نتوانستم، هیچ‌گاه به خودم و خدا سوءظن نبرده‌ام و

## یادداشت ادبی

### آنکه ابابیل‌های انقلاب را فراخواند...

به مناسبت دهه فجر و بارویکرد به سوره مبارکه فیل

و اینک از جایی که گمان نمی‌رفت، ابابیل جملات تو انقلاب کردند. این بار از ایران و اکنون چهلمین عام الفیل است که آن جملات انقلابی برای مبعوث شدن از غار حراء سرازیر شدند تا کار را یکسره کنند! جهان مسجد خداست و خدا معامله‌ای سخت با جهان‌خواران می‌کند.

۱. اشاره به واقعه نذر حضرت عبدالمطلب علیه السلام برای قربانی یکی از پسرانش که به نام عبدالله علیه السلام پدر پیامبر ﷺ قرعه خورد.  
۲. من صاحب شتر هستم و برای خانه کعبه پروردگاری است که مانع از حمله می‌شود (اشاره به جواب حضرت عبدالمطلب علیه السلام به کسی که درباره دلیل حفاظتش از شترانش در زمان حمله سپاه ابرهه به کعبه، پرسیده بود)

عبدالمطلب علیه السلام؛ ابراهیم مجسم... که خون بهای ذبیح‌اش، مبنای حرمت خون محترم شد! کسی که سوره فیل، جلوه‌های ویژه کوبنده‌ترین احتجاج توسط او شد. هم‌زمان با جاری شدن جمله ویران‌کننده‌اش، محمد ﷺ متولد شد! و چهل سال

پس از جمله توحیدی او مبعوث شد و قرآن نازل شد. تو، جد محمد و احتجاج قرآنی‌ات از همان ریاحینی بود که دیرینه‌شناسان قدمت رویش را تا صحف ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام تخمین زده‌اند. تو، جد همه سیادت‌ها و احتجاج تو، سید همه احتجاج‌های عالم است! «انا رب الإبل و انا للبيت رب سيمعنه»<sup>۲</sup>.

## یادداشت علمی

### انفاق، قبل از فتح

برگرفته از سوره مبارکه حدید

است؟  
چه بسا امروز برای جامعه ما علیرغم تمام پیشرفت‌ها، هنوز مصداقی از قبل از فتح باشد و انفاق کردن پیش از فتح، اجر مضاعفی دارد. و بر ماست یاری انبیا، با قدرت سخت و نرم و گرفتن میدان از آنان که جامعه را به بخل و بی‌ایمانی امر می‌کنند. جامعه و مردم متأثر از رسانه‌اند و قدرت و نیروی شدید را چه بسا بتوان در رسانه دید. این ماییم که تصمیم می‌گیریم یاریگر انبیا باشیم و جامعه‌ای مومن و منفق داشته باشیم یا میدان را به خودشیفتگان بخیل و مبلغ بخل واگذار کنیم و در جامعه‌ای بخیل زندگی کنیم.

در سوره مبارکه حدید با اوامر الهی متعددی مواجهیم و مخاطب این اوامر همگی جمع است. چه بسا صحیح باشد که بگوییم مخاطب این اوامر جامعه است. ایمان آوردن و انفاق کردن فرد را کم و بیش می‌فهمیم و با مصداق آن آشناییم، اما انفاق اجتماع چه مصداقی دارد؟ جامعه باایمانی که می‌داند زندگی دنیا بازی، سرگرمی، چشم و هم‌چشمی و زیاده‌خواهی است و جامعه‌ای که به سوی مغفرت الهی شتابان است با جامعه‌ای که اینگونه نیست چه تفاوتی دارد؟ جامعه ما به کدام یک شبیه‌تر است؟  
شعارهایی از قبیل «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران... سوریه رو رها کن، فکری به حال ما کن و...» چقدر با نگاه جامعه ایمانی و انفاق‌کننده هماهنگ

